

قرآن

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلّٰتِي هِيَ أَفْوَمُ﴾

– قران کتاب تعلق و تفکر

۱. ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾؛ ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که بیندیشید.

تفسیر

ما این کتاب مشتمل بر آیات را در مرحله نزول ملبس به لباس واژه عربی و آراسته به زیور آن واژه نازل کردیم تا در خور تعلق تو و قوم و امت باشد، اگر در مرحله وحی به قالب الفاظ خواندنی درنمی آمد و یا اگر درمی آمد به لباس واژه عربی ملبس نمی شد، قوم تو پی به اسرار آیات آن نمی برند و فقط مختص به فهم تو می شد، چون وحی و تعلیمش اختصاص به تو داشت.

این خود دلالت می کند بر این که الفاظ کتاب عزیز به خاطر این که تنها وحی است و به خاطر این که عربی است، توانسته است اسرار آیات و حقایق معارف الهی را ضبط و حفظ کند. و اگر معانی الفاظ، وحی می شد و الفاظ حاکی از آن معانی، الفاظ رسول خدا علیهم السلام می بود - مثلا مانند احادیث قدسی - و یا اینکه به لغت دیگری ترجمه می شد، پارهای از آن اسرار بر عقول مردم مخفی می ماند و دست تعلق و فهم بشر به آنها نمی رسید.^۲.

۱. یوسف، آیه ۲.

۲. ترجمه المیزان، ج ۱۱، ص ۱۱۹. (با تلخیص و تصرف)

-قرآن راه خوبشخنی

۲. ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلّٰتِي هِيَ أَقْوَمُ وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾؛ قطعاً این قرآن به (آیینی) که خود پایدارتر است، راه می‌نماید و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند، مژده می‌دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود.

تفسیر

"اِقْوَمْ" از ماده "قِيَامْ" گرفته شده است و از آن‌جا که انسان به هنگامی که می‌خواهد فعالیت پی‌گیری انجام دهد، قیام می‌کند و به کار می‌پردازد، از این نظر قیام، کنایه از حسن انجام امور و آمادگی برای فعالیت آمده است ضمناً، استقامت که از همین ماده گرفته شده و "قِيمْ" که آن‌هم از این ماده است به معنی صاف، مستقیم، ثابت و پابرجاست و از آن‌جا که "اِقْوَمْ" صیغه "افْعَلْ تفضيل" است، مفهوم آیه فوق چنین است که "قرآن، به طریقه‌ای که مستقیم‌ترین و پابرجاترین طرق است دعوت می‌کند".

صف و مستقیم از نظر عقائدی که عرضه می‌کند، عقائدی روشن، قابل درک و خالی از هرگونه ابهام و خرافات است. میان ظاهر و باطن، عقیده و عمل، تفکر و برنامه، همگونی ایجاد کرده و همه را به سوی "الله" دعوت می‌کند. از نظر قوانین اجتماعی، اقتصادی و نظامات سیاسی که بر جامعه انسانی حکم‌فرما است که هم جنبه‌های معنوی را پرورش می‌دهد و هم از نظر مادی، تکامل آفرین است.

به افراط و تغفیط عبادت و همچنین برنامه‌های اخلاقی که انسان را از هرگونه تمایل به افراط، تغفیط، حرص، طمع، اسراف، تبدیر، بخل، حسد، ضعف و استکبار رهایی می‌بخشد.

در این‌جا این سوال پیش می‌آید که مفهوم "افْعَلْ تفضيل"، این معنی را می‌رساند که در مذاهب و ادیان موجود اقوام دیگر، این استقامت و عدالت وجود دارد ولی در قرآن بیشتر است؛ اما با توجه به چند نکته پاسخ این سوال روشن می‌شود، زیرا:

اولا: اگر طرف مقایسه، ادیان آسمانی دیگر باشد، بدون شک آن‌ها نیز هر کدام در زمان و عصر خود آئینی مستقیم و پابرجا بودند، ولی طبق قانون تکامل، هنگامی که به مرحله نهایی یعنی مرحله خاتمتیت بررسیم، آئینی وجود خواهد داشت که صاف‌ترین و پابرجاترین است.

ثانیا: اگر طرف مقایسه، غیر مذاهب آسمانی باشد، باز هم افعل تفضیل در اینجا مفهوم دارد زیرا مکتب‌های دیگر می‌کوشند که سهمی از استقامت و صافی را داشته باشند، ولی در مقایسه با اشتباهاتشان و در مقایسه مجموع آن‌ها با قرآن، روشن می‌شود که این آئین از همه مستقیم‌تر و با ساختمان روح، جسم و جان انسان هماهنگ‌تر و به همین دلیل پابرجاتر است.

ثالثا: همان‌گونه که سابقاً هم اشاره کردہ‌ایم، "افعل تفضیل"، همیشه دلیل بر این نیست که طرف مقایسه، حتماً سهمی از آن مفهوم را داراست، چنان‌که در قرآن مجید می‌خوانیم «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَبَعَ أَمْنَ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى»؛ آیا کسی که به سوی حق دعوت می‌کند، شایسته‌تر برای رهبری است یا آن کس که راهی به حق ندارد مگر این‌که او را رهبری کنند.

ضمناً توجه به این نکته لازم است که با در نظر گرفتن این معنی که یکی از معانی "اقوم"، ثابت‌تر و پابرجاتر است و با در نظر گرفتن این‌که طرف مقایسه در عبارت ذکر نشده و به اصطلاح "حذف متعلق دلیل بر عموم است" روشن می‌شود که این آیه از آیاتی است که اشاره‌ای به مسئله خاتمتیت اسلام و پیامبر نیز دارد، چرا که می‌گوید این آئین از همه آئین‌ها ثابت‌تر و پابرجاتر است. (دققت کنید)^۲

- آثار قرائت قران

۳. ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ إِذَا تُلِيتُهُمْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زادَتُهُمْ

۱. یونس، آیه ۳۵

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۰.(با تلخیص)

۲۶ / ره‌توشه راهیان نور(پیام‌های قرآنی)

إِيمَانًا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ؛ مُؤْمِنًا، هُمَانِ كَسَانِي اَنَدَ كَهْ چُونَ خَدَا يَادَ شَوَدَ، دَلَهَايَشَانَ بَتَرَسَدَ وَ چُونَ آيَاتَ اوَ بَرَ آنَانَ خَوَانَدَ شَوَدَ، بَرَ اِيمَانَشَانَ بِيَفْزَايَدَ وَ بَرَ پَرَورَدَگَارَ خَوَدَ تَوْكِلَ مَىْ كَنَندَ.

پیام‌ها

- ۱- نزول قرآن به زبان عربی از یک سو و فرمان تدبیر در آن از سوی دیگر، نشانه آن است که مسلمانان باید با زبان عربی آشنا شوند: «قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»
- ۲- قرآن، تنها برای تلاوت و تبرک نیست، بلکه وسیله تعقل و رشد بشر است: «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»
- ۳- خرافات و اوهام در منطق استوار قرآن، راه ندارد: «يَهْدِي لِتَّقْرِيرِ هِيَ أَقْوَمُ»
- ۴- آن که با شنیدن ندای اذان و آیات الهی بی‌تفاوت باشد، باید در کمال ایمان خود شک کند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجَلَّتْ»
- ۵- ذکر نام خدا از سوی هر کس باشد، در مؤمن اثر می‌گذارد: «إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجَلَّتْ»
- ۶- ایمان، مراتب و درجاتی دارد و قابل کاهش و افزایش است: «زَادَتْهُمْ إِيمَانًا»
- ۷- ترسی که ریشه در جهل داشته باشد بد است، ولی ترسی که از معرفت سرچشمme بگیرد، پسندیده است: «الْمُؤْمِنُونَ ... وَجَلَّتْ»
- ۸- هر آیه قرآن، حجت و نوری است که می‌تواند بر ایمان بیفزاید: «إِذَا تُلِيهِتْ... زَادَتْهُمْ إِيمَانًا»

آیات مرتبط

- عظمت قران

۵. ﴿لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَائِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ﴾

نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛ اگر این قرآن را بر کوهی فرو می‌فرستادیم، یقیناً آن [کوه] را از بین خدا فروتن [و] از هم پاشیده می‌دیدی و این مثلاً را برای مردم می‌زنیم، باشد که آنان بیندیشند.

– قران کتاب شفا

۶. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتُكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًىٰ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ»؛ ای مردم، به یقین، برای شما از جانب پروردگار تان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و رهنمود و رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است.

– آداب ظاهري و باطنی قرائت قران

۷. «وَرَتَّلَ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»؛ و قرآن را شمرده شمرده بخوان.
۸. «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»؛ و چون قرآن خوانده شود، گوش بدان فرا دارید و خاموش مانید، امید که بر شما رحمت آید.

– تلاوت به مقدار ممکن

۹. «فَاقْرُؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»؛ آنچه برای شما میسر است قرآن بخوانید.
۱۰. «وَلَقَدْ يَسَرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُذَكَّرٍ»؛ ما قرآن را برای تذکر آسان ساختیم آیا کسی هست که متذکر شود؟

۱. حشر، آیه ۲۱.

۲. یونس، آیه ۵۷.

۳. مزمول، آیه ۴.

۴. اعراف، آیه ۲۰۴.

۵. مزمول، آیه ۲۰.

۶. قمر، آیه ۱۷.

روايات

– خانه‌ای مثل ستاره

۱. عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

إِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَانَ فِيهِ الْمَرءُ الْمُسْلِمُ يَتَّلَوُ الْقُرْآنَ يَتَرَاءَهُ أَهْلُ السَّمَاءِ كَمَا يَتَرَاءَهُ أَهْلُ الدُّنْيَا الْكُوْكَبُ الدُّرْرِيُّ فِي السَّمَاءِ!

– فضیلت قران

۲. قال رسول الله عليه وآله وسلم:

فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ؛ بِرْ تَرِي قرآن بِر ساير کلامها
مانند برتری خدا بِر ساير مخلوقات است.

– قرائت در جوانی

۳. عن أبي عبد الله عليه السلام:

من قرأ القرآن و هو شاب مؤمن اختلط القرآن بلحمه و دمه؛ امام صادق عليه السلام
می فرماید: هرگاه جوان مؤمن قرآن تلاوت کند، قرآن با گوشت و خونش آمیخته
خواهد شد.

– قران عهد خداست

۴. عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

القرآن عهد الله الى خلقه فقد ينبغي للمرء المسلم أن ينظر في عهده وأن يقرأ منه
في كل يوم خمسين آية^۳؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: قران عهد و فرمان خداست با

۱. كافی، ج ۲، ص ۶۱۰.

۲. جامع الاخبار، ص ۴۰.

۳. كافی، ج ۲، ح ۱، ص ۶۰۹.

قرآن / ۲۹

خلقش، پس شایسته است که مسلمان در فرمان او نگاه کند و هر روزی پنجاه آیه از آن را تلاوت کند.

- شکایت قران نزد خدا

۵. عن أبي عبد الله عَلَيْهِ الْكَلَمُ قَالَ:

ثلاثة يشكون الى الله عز و جل، مسجد خراب لا يصلى فيه اهله و عالم بين جهال
و مصحف معلق قد وقع عليه الغبار لا يقرأ فيه^۱؛ امام صادق عَلَيْهِ الْكَلَمُ فرمودند: سه چیز
است که به درگاه خداوند عزوجل شکایت می‌کنند: مسجد ویرانی که اهلش در آن
نمای نمی‌خوانند، دانایی میان نادان‌ها و قرانی که آویخته است و گرد و غبار بر آن
نشسته و آن را نمی‌خوانند.

داستان‌ها

۱- ارزش حامل قران

در جنگ احـد، بر اثر بـیـاحتیاطی و گوش به فرمان نبودن چند نفر، تعدادی از سلحشوران اسلام به درجه رفیع شهادت رسیدند. چون مدینه، منطقه‌ای کوهستانی بود و مردم در زمان جنگ خسته و جراحت دیده بودند و علاوه بر این عدد مسلمانان نیز کم بود، لذا کنند قبر کاری دشوار بود. رسول خدا عَلَيْهِ الْكَلَمُ دستور فرمودند: هر چند شهید را در یک قبر دفن کنند و هر یک از آن‌ها که علم و آگاهیش به قران بیشتر است و قران بیشتری حفظ است، بدن او را جلوی دیگری قرار دهند. آری هر که عالم‌تر و قرآنی‌تر است باید بدنش هم قبله دیگری باشد^۲.

۲- بانوی مسیحی و آهنگ قران

سید قطب (ابراهیم حسن شاذلی ۱۳۲۴-۱۳۸۷ق) مفسر نامدار مصری می‌گوید: ما شش نفر مسلمان بودیم که با یک کشتی مصری اقیانوس اطلس را به سوی نیویورک می‌پیمودیم.

۱. همان، ح ۳، ص ۶۱۳.

۲. حسن زاده آملی، مجموعه مقالات، ص ۱۴۰ - ۱۳۹.

۳۰ / ره‌توشه راهیان نور(پیام‌های قرآنی)

مسافران کشته ۱۲۰ نفر بودند و کسی در میان مسافران جز ما مسلمان نبود. روز جمعه به این فکر افتادیم که نماز جمعه را در قلب اقیانوس و بر روی کشتی بجا آوریم و علاوه بر فریضه مذهبی مایل بودیم یک حمامه اسلامی در مقابل یک مبلغ مسیحی که داخل کشتی نیز دست از برنامه تبلیغی خود بر نمی‌داشت بیافرینیم. به ویژه که او حتی مایل بود ما را هم به مسیحیت بکشاند. ناخدای کشتی که یک نفر انگلیسی بود، موافقت کرد که ما نماز جمعه را بر عرشه کشتی اقامه کنیم و به کارکنان کشتی نیز که همه از مسلمانان آفریقا بودند اجازه داده شد با ما نماز بخوانند و آن‌ها از این جریان بسیار خوشحال شدند زیرا این نخستین باری بود که نماز جمعه بر روی کشتی اقامه می‌شد. من به خواندن خطبه نماز جمعه و امامت پرداختم و جالب این که مسافران غیر مسلمان اطراف ما حلقه زده بودند و با دقت شاهد انجام این فریضه اسلامی بودند.

پس از پایان نماز گروه بسیاری از آن‌ها نزد ما آمدند و این موقعیت را به ما تبریک گفتند. در میان این گروه خانمی بود که بعد فهمیدیم که یک زن مسیحی یوگسلاوی است که از جهنم تیتو^۱ و کمونیسم او فرار کرده است. او فوق العاده تحت تأثیر نماز ما قرار گرفته بود، به حدی که اشک از چشمانش سرازیر بود و قادر به کنترل خود نبود. او به زبان انگلیسی ساده و با تأثر شدید و خضوع و خشوع خاصی سخن می‌گفت، از جمله سخنانش این بود که بگویید بینم کشیش شما به چه زبانی با شما سخن می‌گفت؟ ما به او فهماندیم که این برنامه اسلامی؛ یعنی نماز را هر مسلمان با ایمانی می‌تواند انجام دهد و سرانجام به او گفتیم که با زبان عربی صحبت می‌کردیم.

او گفت اگر چه من یک کلمه از مطالب شما را تفهمیدم اما به وضوح دیدم که این کلمات آهنگ عجیبی داشت؛ اما از این مهم‌تر مطلبی که نظر مرا فوق العاده به خود جلب کرد این بود که در لابلای خطبه امام شما جمله‌هایی وجود داشت که از بقیه ممتاز بود و دارای آهنگ فوق العاده مؤثر و عمیقی بود که لرزه بر اندام من انداخت، یقیناً این جمله‌ها مطالب دیگری بودند، فکر می‌کنم امام شما وقتی این جملات را ادا می‌کرد، مملو از

۱. رئیس جمهور وقت.

قرآن / ۳۱

روح القدس شده بود! ما کمی فکر کردیم و متوجه شدیم که این جمله‌ها همان آیاتی از قرآن بود که من در اثناء خطبه و نماز آن‌ها را می‌خواندم. این موضوع ما را تکان داد و متوجه این نکته ساخت که آهنگ مخصوص قرآن آن‌گونه مؤثر است که حتی خانمی را که یک کلمه مفهوم آن را نمی‌فهمد تحت تأثیر شدید خود قرار می‌دهد.^۱

شعر و حکمت

نقش قرآن چون در این عالم نشست
نقشه‌های پاپ و کاهن را شکست

۱. ر.ک تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۲۹۲ به نقل از تفسیر فی ضلال القرآن، ج ۴، ص ۴۲۲.